

زندگی‌نامه‌ای نوناگشته برای زنده‌یاد طاهره صفارزاده

درخشان در ۳ عرصه شاعری مترجمی و قرآن پژوهی

■ شاهد توحیدی



سوره مهر، آن رارونه بازار کتاب کرده‌است. تازنمای ناشر در توصیف موضوع این تحقیق، نکات ذیل را از نظر دور نداشته است: «کتاب طاهره صفارزاده نوشته ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد، از مجموعه کتاب‌های شخصیت‌های مانا به بررسی ویژگی‌ها و ابعاد فکری و زندگی طاهره صفارزاده می‌پردازد. این اثر حاوی اطلاعاتی است که در آثار مشابه کمتر دیده می‌شود، از جمله: ارائه‌سال‌شمار دقیق و شرح جامع زندگی صفارزاده و همچنین تحلیل اندیشه‌های او از جنبه‌های مختلفی همچون: شاعری، مترجمی و قرآن پژوهی. طاهره صفارزاده، از جمله شخصیت‌های برجسته فرهنگی معاصر با به کارگیری علم و هنر خود در مسیر بیداری جامعه و بر اساس اعتقاداتش سال‌های عمر خود را صرف فعالیت‌های علمی و فرهنگی کرد تا برنده‌هایی چون جنرال الکتریکی و پیپسی کولا در ایران ی‌ود، به واسطه پیوندهای سیاسی و مذهبی خود، مسیر ثروت اندوزی و کسب نفوذ را با شتابی حیرت آور پیسود. مقال‌پی آمده، به بررسی گوشه‌ای از اقدامات او پرداخته است. امید آنکه تاریخ پژوهسان و عموم علاقه‌مندان را مقید آید.



زنده‌یاد دکتر طاهره صفارزاده

بررسی کرده است. این کتاب جلد دوم از مجموعه پژوهشی شخصیت‌های مناسک که با هدف ارائه الگوهای موفق، به زندگی شخصیت‌های نیکنامی می‌پردازد که در عرصه‌های دانش، فرهنگ، سیاست و اجتماع، در ایران معاصر زیسته و در گذشته‌اند. این مجموعه که برای عموم مخاطبان به‌ویژه جوانان و دانشگاهیان تهیه شده، برآیند احساس ضروری است که در پهنه ارائه آثار دقیق و مستند از زندگانی افراد تأثیرگذار، پدید آمده‌است...» در دیباچه این یادمان نیز به نقش صفارزاده در پدید آمدن ادبیات انقلاب اسلامی پرداخته شده است: «با پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷، شاعر تمامی آرزوهای خود را در مسیر وحدت انسان‌ها و رسیدن مجموعه شعر بیعت با بیداری او، روایت‌کننده حوادث و رویدادهای انقلاب مردم طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ است. شاعر با شوری انقلابی که در او موج می‌زند، مردم خود را در این رویداد بزرگ با وازه‌ها همراهی می‌کند. اگر بخوایم به لحاظ ساختار شعری و دگر شاعری این اثر را بررسی کنیم، باید بگوییم، با اثر دیگر شاعر، کتاب سفر پنجم، جز در موضعی اندک تفاوت بسیاری دارد. شاعر با اتفاقاتی که حین پیروزی انقلاب رخ داده، به کل از مقوله شعری خارج شده و بیشتر با لحن شاعری و خطابه‌ای، سخن خود را بیان کرده است. آنچه برای او حائز اهمیت است، همان وحدت رسالت و تعهدی است که او در آثار قبلی خود را آن بسیار سخن گفته و گویا در این برهه از زمان خود را از ادتر احساس کرده است که اندیشه‌اش را با زبانی به دور از هر گونه استعاره و ابهام بیان کند و تا آنجا پیش می‌رود که می‌خواهد فقط وقایع و حماسه‌ها را ثبت کند. در واقع هنر شعری، در اکثر شعرهای این مجموعه فراموش می‌شود. مانند شعرهای دیوار،‌ها صف، مستعمرات و در آفتاب خطبه او. این موضوع، تماماً در این نمونه‌ها مصداق دارد. شعر بلند سفر بیداران، از جمله شعرهایی است که لحن زبانی هنر شاعری صفارزاده، در آثار پیشینش به نوعی در آن نمود یافته است...»

■ **مریم صادقی‌بری**

حبیب ثابت پاسال، تاجر پر نفوذ و میلیاردر معروف عصر پهلوی، از جمله چهره‌های بحث‌برانگیز تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود که نامش با اتهامات متعددی از جمله فساد مالی، سوءاستفاده از قدرت، قاچاق مواد مخدر و روابط ویژه با دربار پهلوی گره خورده است. او که زمانی نماینده انتصابی برنده‌هایی چون جنرال الکتریکی و پیپسی کولا در ایران بود، به واسطه پیوندهای سیاسی و مذهبی خود، مسیر ثروت اندوزی و کسب نفوذ را با شتابی حیرت آور پیسود. مقال‌پی آمده، به بررسی گوشه‌ای از اقدامات او پرداخته است. امید آنکه تاریخ پژوهسان و عموم علاقه‌مندان را مقید آید.

■ ■ ■

■ **توصیه عبدالیه‌ا: راهبر د اقتصادی بهائیان**

در دوران سلطنت پهلوی‌ها به‌ویژه محمدرضا پهلوی، یکی از شاخص‌ترین گروه‌هایی که توانست در ساختار اقتصادی کشور جایگاه چشمگیری به‌دست آورد، پیروان تشکیلات بهائیت بودند. این گروه، از زمانی که امکان ورود به عرصه سیاست برایشان فراهم‌شد، به‌عنوان کوشیدند تا هویتی مستقل برای خود رقم‌بزنند و با تمرکز بر فعالیت‌های اقتصادی، پایه‌های قدرت خود را تحکیم کنند. عباس افندی یا عبدالیه دومین رهبر بهائیت، در سفری به اروپا رصاحتاً به پیروان خود توصیه کرد: «حال شما باید در ترقی زراعی و صنعتی و تجاری در ایران بکوشید...»^(۱) این توصیه، نه تنها به یک اصل راهبردی در درون جامعه بهایی تبدیل شد، بلکه در عمل نیز به شکل‌گیری شبکه‌ای قدرتمند از فعالان اقتصادی بهایی در سراسر کشور منجر گشت. نفوذ بهائیان در دستگاه حکومتی پهلوی نیز مزید بر علت شد. بر اساس خاطرات ارتشبد حسین فردوست رئیس وقت اطلاعات شاه، بسیاری از بهائانیی که در دستگاه حکومت حضور داشتند، ثروت فراوانی اندوخته و در برخی مناطق تهران همچون اقدسیه و بزرگراه تهران – مانند عبدالحسین نجیمی نام می‌برد که زمین‌هایی را کرج، زمین‌هایی وسیع را تصرف کرده بودند. او از افرادی که به جامعه بهائیت اهدا کرده بودند.^(۲) اسناد ساواک نیز بر این مسئله مهر تأیید می‌زند. در یکی از این اسناد به تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۵۰، نقل‌قولی از یک جلسه بهائیان در شیراز به این ترتیب آمده‌است: «بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می‌توانند امتیاز هر چیزی را که می‌خواهند، بگیرند. تمام سرمایه‌های بانکی و ادارات و رواج پول در اجتماع ایران، مربوط به بهائیان و کلیمیان است. تمام آسمانخراش‌های تهران، شیراز و اصفهان، مال بهائیان است. چرخ اقتصاد این مملکت، به دست بهائیان

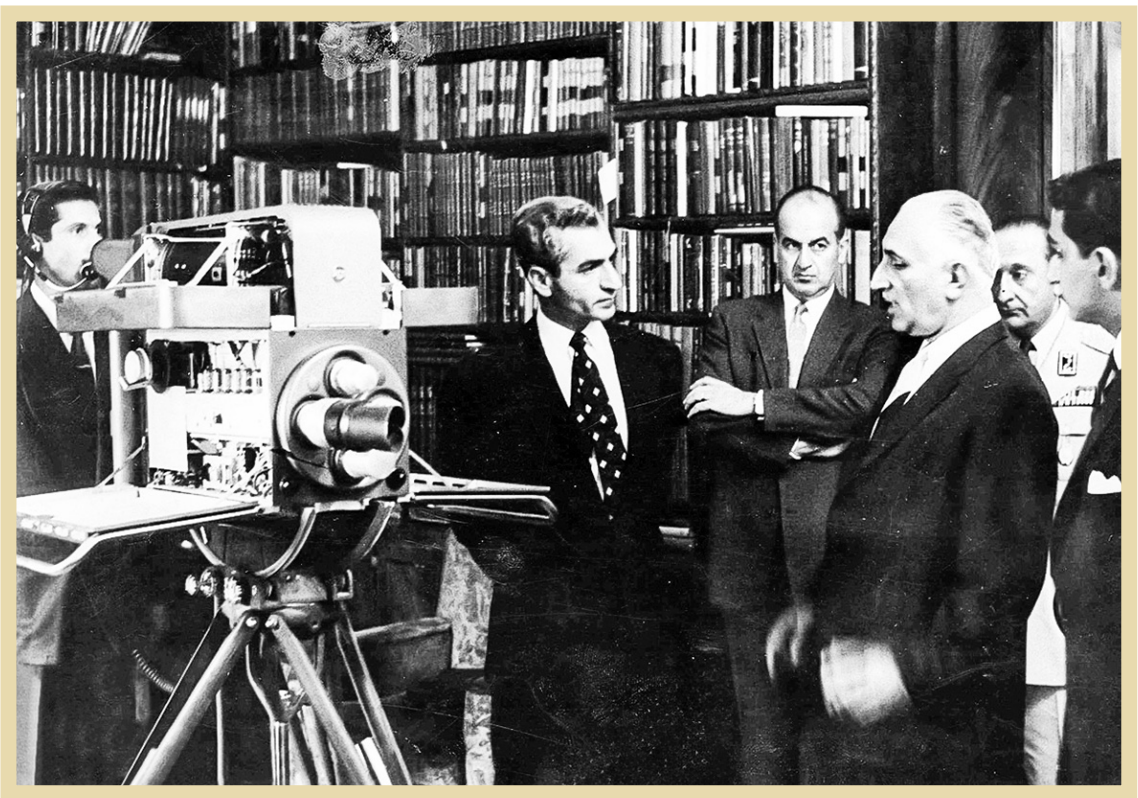
و کلیمیان می‌چرخد...»^(۳) در میان سرمایه‌داران مشهور بهایی نام‌هایی چون: هژبر یزدانی، جلیل اردکانی و ابوالحسن ابتهاج به چشم می‌خورد، اما شاید برجسته‌ترین نام در میان آنها، حبیب ثابت پاسال باشد. او نه تنها تاجر و سرمایه‌داری سرشناس، بلکه عضو محفل روحانی بهائیان ایران و رئیس شرکت امنا نیز بود.

■ **حبیب ثابت پاسال که بود؟**

حبیب ثابت پاسال در سال ۱۲۸۲ش در تهران به دنیا آمد. خانواده‌اش اصالتاً یهودی تبار بودند و بعدها به آیین بهائیت گرویدند. پدرش عبدالله پارچغروش بود و مادرش نیز از خاندان یهودیان بهایی شده کاشان محسوب می‌شد. دایه‌های ثابت، از سرمایه‌داران بهایی آن زمان به‌شمار می‌رفتند و فرزندان آنها یعنی خلیل، اسکندر و سیاوش ارجمند، بعدها کارخانه‌های مهمی مانند ارچ و شعله خاور را تأسیس کردند.^(۴)

ثابت تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه تربیت مدرسه‌ای وابسته به بهائیت – ودیلم را از مدرسه فرانسوی سن‌لویی گرفت. مسیر حرفه‌ای‌اش را با شغل‌هایی چون تعمیر دوچرخه و رانندگی کامیون آغاز کرد، اما آنچه موجب صعود خیره‌کننده‌اش در عرصه اقتصاد شد، ارتباطات نزدیک او با ارل حکومتی و سران بهایی بود.^(۵) ثابت در خاطراتش به همکاری با خانواده آصف‌السلطنه (از وابستگان ناصرالدین شاه قاجار) اشاره می‌کند. از همین طریق، او وارد دربار و حلقه‌های ثروت و قدرت شد و با حمایت‌هایی که از سوی افراد بانفوذ – چه در حکومت و چه در تشکیلات بهایی – دریافت کرد، توانست در مدت کوتاهی به سرمایه‌داری بزرگ و بانفوذ تبدیل شود.^(۶) اگرچه او همواره بر «خودساختگی»ش تأکید داشت، اما شواهد و اسناد گواه آن هستند که مسیر موفقیت او تا حد زیادی، بر موهن پشتیبانی شبکه‌ای هماهنگ از سرمایه‌داران، مسئولان دولتی و فعالان بهایی بوده‌است.

■ **پیسی کولا، بهائیت و واکنش جامعه مذهبی**
در میانه دهه ۱۳۳۰ش در ایران، برندنوشابه‌ای که امروزه شاید برای بسیاری تنها طعمی از شکر و گاز باشد، به موضوعی جنجالی و سیاسی تبدیل شد. پیسی کولا که در آن دوران ازسوی کارآفرینی به نام حبیب ثابت پاسال به بازار ایران معرفی شده بود، به سرعت زیر ذره‌بین روحانیون و مردم مذهبی قرار گرفت، چراکه مالک آن از فعالان شاخص جامعه بهایی شناخته می‌شد و افشاگرایی‌هایی در خصوص ارتباط فعالیت اقتصادی‌اش با تشکیلات بهائیت منتشر شد. در ماه رمضان سال ۱۳۷۷ ق (فروردین ۱۳۷۷)، اعلامیه‌ای با امضای حجت‌الاسلام رواج پول در اجتماع ایران، مربوط به بهائیان و کلیمیان است. تمام آسمانخراش‌های تهران، شیراز و اصفهان، مال بهائیان است. چرخ اقتصاد این مملکت، به دست بهائیان



حبیب پاسال ثابت در گفت‌وگو با محمدرضا پهلوی هنگام بازدید وی از تلویزیون موسوم به ملی ایران

حبیب ثابت پاسال، محور اقتصادی فرقه بهائیت در ایران

اختلاس، موقوفه خواری و فرار از مالیات با پشتگر می به دربار واسرائیل

خصوص لزوم برهیز از معامله با فرقه بهائیت ادعا شده بود.مدیر پیسی کولاز هر بطری یک ریال برای تبلیغات بهائیت اختصاص می‌دهد و این منابع، مستقیماً در خدمت دستگاه تبلیغاتی این فرقه و حتی سرویس‌های جاسوسی آن قرار می‌گیرد.^(۱) در مرداد ۱۳۳۴ هجری شمسی، آیت‌الله بروجردی فتوایی صادر کرد که در آن به‌طور مستقیم به تحریم بهائیت و تعامل با آن اشاره شده بود. این فتوا، آغازگر موجی از اعتراضات مردمی علیه پیسی کولا و صاحب آن شد. مردم مسلمان پس از آگاهی از تعلق کارخانه پیسی به سرمایه‌داران بهایی، خرید از آن را تحریم کردند.^(۲) با سعت‌گشتی و ده دقیقه بعد از ظهر روز پنج‌شنبه، ۱۰ تومبیل اطفاى حریق با تجهیزات کامل، خود را به محل این کارخانه رسانده و عملیات اطفاى حریق را آغاز کردند.^(۳)

■ **تأسیس شرکت امنا**

حبیب ثابت پاسال که تا پیش از انقلاب اسلامی، صاحب ۴۱ کارخانه بزرگ صنعتی و ده‌ها شرکت تجاری بود، نه تنها در عرصه اقتصاد، بلکه در ساختار سازمانی بهائیت نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کرد. او عضو «خودساختگی»ش روحانی بهائیان» در تهران بود و جلسات این تشکیلات، به‌طور منظم در منزل او برگزار می‌شد. گزارش‌هایی نیز از حمایت مالی وی از کاندیداهای بهایی، در انتخابات دوره ششم مجلس سنا وجود دارد. در یکی از این اسناد، حمایت مالی ۵میلیون تومانی او از چهاردهایی مانند ناصر یگانه و سلیمان وهاب‌زاده ذکر شده‌است.^(۴) در جمله اقدامات اقتصادی ثابت، تأسیس «شرکت امنا» در سال ۱۳۳۷ بود که هدف آن مدیریت اموال و سرمایه‌های شوقی افندی (نوه دختری عباس افندی و سومین رهبر بهائیت) در ایران و سازمان‌دهی امور اقتصادی جامعه بهایی بود. این شرکت در همان سال، در ایران به ثبت رسید و دامنه فعالیت‌های آن از تجارت داخلی گرفته تا قراردادهای اقتصادی، گستره‌ای در سطح بین‌المللی داشت.^(۵)

■ **وام‌ها و ثروت بادآورده**

یکی از عوامل کلیدی در صعود خیره‌کننده ثابت به قله ثروت، بهره‌گیری گسترده از تسهیلات بانکی و حمایت بی‌دریغ مؤسسات اعتباری داخلی و خارجی بود. بانک‌هایی مانند بانک ایران و خاورمیانه، بانک ایرانیان و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌ها و شرکت‌های متعدد او ایفا کردند.



حبیب ثابت پاسال در گفت‌وگو با ریچارد نیکسون

د

نام حبیب ثابت پاسال، در نقطه تلاقی سرمایه‌داری وابسته، نفوذ فرهنگی غرب و پیوندهای مذهبی و سیاسی پر حاشیه قرار می‌گیرد. به‌عنوان یک کارآفرین بهایی، رابطه نزدیک او با محافل اقتصادی و فرهنگی امریکا و همچنین همکاری‌های تجاری و تلویحاً سیاسی وی با رژیم صهیونیستی، تصویر نامبرده را در ذهن بسیاری از ایرانیان، به عنوان نماد نفوذ بیگانگان در اقتصاد و رسانه کشورمان، در دوران پیش از انقلاب اسلامی تثبیت کرد

^(۱) ثابت متهم به دست‌داشتن در اختلاس‌های گسترده، فرار مالیاتی و حتی سوءاستفاده از موقوفات مذهبی بهائیان پس از مرگ شوقی افندی در سال ۱۳۳۶ بود. طبق گزارشی از ساواک در دی ۱۳۳۶، او همراه با دیگر چهره‌های سرشناس بهایی مانند دکتر علی محمد و رقا و ذکراالله خادم، متهم به مصادره و فروش غیرقانونی موقوفات بهایی در ایران شده بودند. بر اساس این گزارش آنان با تبانی با مسئولان اداره ثبت، موفق به فرار از پرداخت مالیاتی بالغ بر صد میلیون تومان به دولت وقت شدند.^(۲)

■ **چهرای مستند در پشت نقاب تجارت**

در گزارش‌های ساواک و بر گه‌های خلاصه سوابق، ثابت به عنوان فردی «پول‌پرست، سودجو، شارلاتان، دیکتاتور و خشن» توصیف شده‌است. گفته می‌شود که او نه تنها در محیط کسب‌وکار رفتاری قلندرمانانه داشت، بلکه از زویندهای سیاسی و اقتصادی نیز برای حذف رقبای و تحکیم موقعیت خود بهره می‌برد.^(۳)

■ **اتهام سنگین قاچاق مواد مخدر**

اتهام قاچاق مواد مخدر، یکی از جدی‌ترین اتهاماتی است که در پرونده ثابت پاسال ثبت شده است. در گزارشی مورخ شهریور ۱۳۳۸، فردی به نام رین‌العابدین سسیحانی در نامه‌ای به مجله «خواننده‌ها»، حبیب ثابت را «بزرگ‌ترین قاچاقچی مواد مخدر در ایران» معرفی کرده و مدعی شده بود ۱۰ کیلوگرم هروئین و مرفین از خودروی او کشف شده‌است. گفته می‌شود، ثابت با پرداخت کلیه موضوع را فیصله داده و دربارہ او پیگردی صورت نگرفته‌است.^(۴)

■ **پشتگر می به دربار پهلوی**

ثابت و رابطه‌ی ویژه با خانواده سلطنتی داشت که به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به او فرصت‌های اقتصادی بی‌نظیری داد. در زمانی که ملکه ماهر و شماری از اعضای خاندان سلطنتی تحت فشار دکتر مصدق از کشور خارج شدند، حبیب ثابت در امریکا از آنان پذیرایی و حتی در ماجرای شکستگی مچ پای ملکه، تمام امکانات رفاهی را برای درمان وی فراهم کرد. این خدمات، بعدها جایگاهی ویژه برای او در دربار رقم زد.^(۵) در یکی از گزارش‌های ساواک آمده است در دوره وزارت امیراسدالله علم، سیاست‌های اقتصادی کشور بانظر و هماهنگی ثابت پاسال تنظیم می‌شد. در ادامه همان گزارش به سود کالشی که در یکی از معاملات دولتی نصیب ثابت شد- فقط در یک مورد سود ۲۴ میلیون تومانی از واردات روغن ماهیین - اشاره شده‌است.^(۶)

■ **تأسیس تلویزیون موسوم به ملی ایران**

حبیب ثابت، پاسال، تلویزیون ایران را (اوایل دهه ۱۳۳۰ش و با کمک امریکایی‌ها و مساعدت رژیم پهلوی رمانند) کرد. او چهره‌ای کاسب‌مسک و کارآفرینی فرصت‌طلب بود که از همان آغاز تأسیس تلویزیون ایران تلاش کرد تا حداکثر سود را از سرمایه‌گذاری خود ببرد. وی مدیریت تلویزیون را به پسرش ایرج ثابت سپرد و درمردد جذب مشارکت سازمان‌ها و نهادهای مختلف برآمد، اما پس از تأسیس تلویزیون ایران، به پیشنهاد فروش تجهیزات تلویزیون به وزارت پست و تلگراف و امطرح کرد. گرچه این پیشنهاد پذیرفته نشد، اما در ازای آن دولت امتیازات قابل توجهی در حوزه واردات و تجارت به وی اعطا کرد. ثابت پاسال در قراردادی با شرکت امریکایی RCA منعقد نمود و علاوه بر خرید تجهیزات مورد نیاز تلویزیون بسیاری از اقلام غیر ضروری و لو کس مانند یخچال، کولر، اتوبوس و حتی فرش ماشینی را نیز با معافیت گمرکی وارد کشور کرد. توصی‌نامه گمرکی ویژه‌ای که به‌عنوان «وارد فنی تلویزیون» به تصویب رسیده بود، عملاً به پوششی برای سودجویی کلان بدل شد.^(۸) از دیگر اقدامات جنجالی شبکه تلویزیون ثابت، استفاده ابزاری از رسانه برای تبلیغات و ضدتبلیغات اقتصادی بود. بر اساس گزارشات مجلات «خواننده‌ها» و «پیغام امروز» در مهرماه ۱۳۴۴، این شبکه با انتشار اخبار کذب علیه برندهای رقیب در حوزه‌های مانند لاستیک، روغن موتور و شیشه، در پی سوق دادن بازار به سمت محصولات وابسته به خود بود.

با تأسیس «رادیو تلویزیون ملی ایران» و واگذاری مدیریت آن به رضاقلبی، شاه‌رسمای کار تلویزیون ثابت پایان داد، اما در اقدامی بحث‌برانگیز، خسارت چند میلیون تومانی به حبیب ثابت، از بودجه عمومی پرداخت شد و بسیاری از بهائیان شاغل در سازمان سابق، در ساختار جدید نیز حفظ شدند. مسعود بهنود روزنامهنگار، در این باره می‌نویسد: شاه برای جبران خسارت وارده به ثابت، علاوه بر پرداخت غرامت چند میلیونی به او، بودجه دولت، دستور داد

تاز متخصص تلویزیونی آن سازمان که عموماً بهایی بودند، در سازمان تازه استفاده شود...»^(۹) کامبیز محمودی مدیر پیشین تلویزیون ثابت به‌عنوان معاون رضاقلبی منصوب شد و چهره‌هایی چون داوود رمزی، فرشید رمزی، کامبیز از دگان و ژیلدا سازگار، در پست‌های کلیدی قرار گرفتند. این افراد، تحت لوای «اتحادیه کارکنان فنی تلویزیون ایران» فعالیت می‌کردند، اما منابع مطلع همچون احمد الیپاری، آن را شایعه‌ای از تشکیلات بهائیان معرفی کرده‌اند.^(۱۰)

■ **ارتباط تنگاتنگ با اسرائیل**

آنچه بیش از همه باعث حساسیت نهادهای مذهبی و سیاسی شد، ارتباط تنگاتنگ اقتصادی و سیاسی حبیب ثابت با رژیم صهیونیستی بود. بر پایه اسناد اقتصادی، بیش از ۹۹ درصد کالاهایی که از سوی شرکت‌های تحت مالکیت ثابت به ایران وارد می‌شدند، از تولیدات کمپانی‌هایی بودند که سهامداران عمده آنهاز یهودیان صهیونیست به‌شمار می‌رفتند. کالاهای نظیر پیسی کولا، تلویزیون‌های RCA و محصولات شرکت‌های آرایشی امریکایی، همگی در این سسته جای داشتند.^(۱۱)

علاوه بر این حبیب ثابت کمک‌های مالی قابل توجهی نیز به رژیم اشغالگر قدس و بیت‌العدل جهانی یعنی مرکز رهبری بهائیان در اسرائیل اختصاص داده بود. موضوعی که در آن مقطع با واکنش جدی بدنه مذهبی جامعه مواجه شد. یکی از جنجالی‌ترین بخش‌های کارنامه ثابت پاسال، ارتباط‌اعایی او با اسرائیل و صهیونیسم بین‌الملل بود است. طبق سندی از ساواک در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۴۶، او نقش کلیدی در جمع‌آوری ۱۲۰ میلیون ریال کمک مالی برای ارسال به بیت‌العدل در حيفا ایفا کرد. اقدامی که به گفته گزارش، هدف پنهان آن حمایت مالی از ارتش اسرائیل پس از جنگ شش‌روزه با اعراب بود. در این گزارش آمده‌است: «مبلغی که حدود ۱۲۰ میلیون به وسیله بهائیان ایران جمع‌آوری شده و تصمیم دارند این مبلغ را در ظاهر به بیت‌العدل در حيفا ارسال نمایند، منظره‌ی واقعی آن از ارسال این مبلغ، کمک به ارتش اسرائیل است. مقدار قابل ملاحظه‌ای از این پول به وسیله حبیب ثابت تعهد و پرداخت شده‌است...»^(۱۲)

■ **باز یک زندگی، آغاز یک میراث جنجالی**
حبیب ثابت در اسفند ۱۳۶۴ در گذشت، اما باز تاب مرگ او از تهران تا تل آویو ادامه داشت؛ رژیم اسرائیل نام یکی از خیابان‌های تل آویو را به وی اختصاص داد و اردیو اسرائیل، مرگ او را «ضایعه‌ای بزرگ» خواند؛ بیت‌العدل بهائیت نیز با ارسال پیام تسلیت به باهرهٔ خمینی همسرش خدمات او را در راه آرام‌های بهائیت ستود^(۱۳). پژوهشگرانی چون اسکندر دلد، او را یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان مالی اسرائیل از میان سرمایه‌داران ایرانی توصیف می‌کنند. مردی که در نگاه‌مو افشاش کارآفرینی پیشر و در نظر منتقدانش نماد پیوند سرمایه، رسانه و ایدئولوژی بود. امری که به‌عنوان ظاهر از نگاه گروه اول، فراوان مورد مذمت قرار گرفته‌است.

■ **کلام آخر**

حبیب ثابت پاسال چهره‌ای جنجالی در تاریخ معاصر ایران است که نام او در نقطه تلاقی سرمایه‌داری وابسته، نفوذ فرهنگی غرب و پیوندهای مذهبی و سیاسی پر حاشیه قرار می‌گیرد. به‌عنوان یک کارآفرین بهایی رابطه نزدیک او با محافل اقتصادی و فرهنگی امریکا و همچنین همکاری‌های تجاری و تلویحاً سیاسی وی با رژیم صهیونیستی، تصویر نامبرده را در ذهن بسیاری از ایرانیان به عنوان نماد نفوذ بیگانگان در اقتصاد و رسانه کشورمان در دوران پیش از انقلاب اسلامی تثبیت کرد.

- محفل روحانی بهائیان آلمان، آیین بهایی یک نهضت سیاسی نیست، تهران: حقیقت پژوه، ۱۳۶۹، ص۳۴.
- حسین سرگشت، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸، صص ۳۷۵- ۳۷۴.
- عبدالله شهزادی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸، صص ۳۸۵.
- سرگشت حبیب ثابت به قلم خود، ایشان، اس‌انجلس، نشر ایرج و هرمز ثابت، ۱۹۹۳، صص ۱۰۵؛ اسدالله فاضل ماندنی، تاریخ ظهور، ج ۴، صص ۱۱، جامؤسسه ملی مطبوعات امری، تب، ص۱.
- همان، صص ۵۰.
- همان، ص۵۸.
- خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص۷۲.
- همان، ص۷۱.
- ویژه‌نامه ایم، ش، خرداد، ۱۳۸۴، ص۱۵.
- ۱۰- رشیومرکز بررسی اسناد تاریخی، پرونده ثابت پاسال، سند شماره ۷۳/ ۱۶۷۰.
- فرش ماشینی را نیز با معافیت گمرکی وارد کشور کرد. توصی‌نامه گمرکی ویژه‌ای که به‌عنوان «وارد فنی تلویزیون» به تصویب رسیده بود، عملاً به پوششی برای سودجویی کلان بدل شد.^(۸) از دیگر اقدامات جنجالی شبکه تلویزیون ثابت، استفاده ابزاری از رسانه برای تبلیغات و ضدتبلیغات اقتصادی بود. بر اساس گزارشات مجلات «خواننده‌ها» و «پیغام امروز» در مهرماه ۱۳۴۴، این شبکه با انتشار اخبار کذب علیه برندهای رقیب در حوزه‌های مانند لاستیک، روغن موتور و شیشه، در پی سوق دادن بازار به سمت محصولات وابسته به خود بود.
- با تأسیس «رادیو تلویزیون ملی ایران» و واگذاری مدیریت آن به رضاقلبی، شاه‌رسمای کار تلویزیون ثابت پایان داد، اما در اقدامی بحث‌برانگیز، خسارت چند میلیون تومانی به حبیب ثابت، از بودجه عمومی پرداخت شد و بسیاری از بهائیان شاغل در سازمان سابق، در ساختار جدید نیز حفظ شدند. مسعود بهنود روزنامهنگار، در این باره می‌نویسد: شاه برای جبران خسارت وارده به ثابت، علاوه بر پرداخت غرامت چند میلیونی به او، بودجه دولت، دستور داد
- معارران تباهی، همان، ص۴۵.